

مشاغل خانگی و گسستن زنجیره فروش

در خانه‌هایی که اقتصاد با صدای چرخ خیاطی و بسته‌بندی شیرینی شکل می‌گیرد، قطع اینترنت فقط اختلال فنی نیست؛ فروپاشی زنجیره‌ای است که معاش میلیون‌ها خانواده را حمل می‌کرد



اولیه را اگران خریده‌اما مشتری‌هایش دیگر پیام نمی‌دهند؛ هنرمند صنایع دستی برای عید آماده شده اما بازار عید را از دست می‌دهد.

تأثیر بر میلیون‌ها شغل

در سال‌های اخیر، دستگاه‌های رسمی بارها از توسعه این بخش گفته‌اند. بر اساس خبر منتشرشده در ایسنا، تاکنون بیش از ۲ میلیون مجوز مشاغل خانگی در کشور صادر شده است. همین گزارش همچنین می‌گوید زنان حدود ۸۰ درصد نیروی کار مشاغل خانگی ایران را تشکیل می‌دهند. این دو عدد به تنهایی نشان می‌دهند که مشاغل خانگی یک حاشیه کوچک در اقتصاد ایران نیست؛ با بخشی گسترده و زنانه از بازار کار طرف هستیم که هر اختلالی در آن، مستقیماً بر معیشت میلیون‌ها نفر اثر می‌گذارد. این نکته از آن جهت اهمیت دارد که مشاغل خانگی، برخلاف بنگاه‌های بزرگ، ذخیره مالی و سرمایه در گردش قابل انکابی ندارند. یک کارگاه خانگی معمولاً با وام خرد، پس‌انداز اندک، قرض از فامیل یا فروش طلا سر پا می‌شود. حاشیه سود پایین است و سرمایه خواب کرده حکم خطر را دارد. وقتی فروش چند هفته یا چند ماه مختل می‌شود، تولیدکننده خانگی فقط «سود» را از دست نمی‌دهد؛ اصل سرمایه‌اش هم تهدید می‌شود. پارچه، نخ، روغن، آرد، شیشه، رنگ، بسته‌بندی و هزینه ارسال، همه پیشاپیش پرداخت شده‌اند.

آنچه از اغتشاشات دی‌ماه آغاز شد، برای بسیاری از این فعالان فقط یک وقفه فنی نبود؛ آغاز یک فرسایش و از دست رفتن دورگ حیاتی مشاغل خانگی بود: فروش آنلاین و فروش حضوری مناسبتی. اسفند و فروردین برای

در خانه‌هایی که یک گوشه‌اش کارگاه خیاطی است، روی میز‌ها رخوری‌اش زبور آلات دست‌ساز بسته‌بندی می‌شود و در اتاق کوچک کناری اش شیرینی خانگی، عروسک، لباس بچه، ترشی، گلدوزی یا صنایع دستی برای فروش آماده می‌شود، اقتصاد فقط یک اصطلاح آکادمیک نیست؛ معاش نان، اجاره خانه، قسط و شهریه مدرسه همگی در صندوق به نام درآمد خانوار جای گرفته‌اند که نبض خانواده در دست آن است. اکنون سال‌هاست که مشاغل خانگی در ایران برای بخش بزرگی از خانوارهای کارگری، زنان سرپرست خانوار، جوانان بیکار و خانواده‌های که از بازار رسمی کار عقب رانده شده‌اند، به آخرین سنگر درآمد تبدیل شده‌اند. اما همین سنگر هم در ماه‌های اخیر، زیر فشار هم‌زمان اختلال اینترنت، ناامنی ناشی از شرایط جنگی و رکود مستمر بازار، به شدت آسیب دیده است. فعالان مشاغل خانگی دست‌کم از دی‌ماه سال گذشته با مشکلات زیادی درگیر بوده‌اند: بازار فروش از دست رفت، فروش آنلاین مختل شده، نمایشگاه‌های فصلی از رونق افتاده و در حساس‌ترین ماه‌های فروش، یعنی اسفند و فروردین، بخش مهمی از درآمد این گروه دود شده است. مسئله فقط این نیست که اینترنت کند شد یا چند پلتفرم از دسترس خارج شدند. برای مشاغل خانگی، اینترنت یک زنجیره فروش شامل ویتترین، بازار، مشتری، تبلیغ، گفت‌وگو با خریدار و دریافت سفارش را تشکیل می‌داد. وقتی این زنجیره قطع یا مختل می‌شود، بحران در سطحی رخ می‌دهد که در آمارهای خام کمتر دیده می‌شود. زن خیاطی که هر شب با سفارش‌های ایستناگرامی خرج‌خانه رادرمی‌آورد، ناگهان با انبوهی از لباس‌های دوخته‌نشده یا نفروخته روبه‌رو می‌شود؛ تولیدکننده شیرینی خانگی مواد

اینترنت و مرگ تدریجی استارت‌آپ‌ها

عدم قطعیت در زیرساخت ارتباطی، اعتماد سرمایه‌گذار داخلی و خارجی را تضعیف و مسیر توسعه کسب‌وکارهای نوپا را مسدود می‌کند

در حالی که اینترنت پس از دوره‌ای از اختلال‌های گسترده به وضعیت نسبتاً پایدار بازگشته، شواهد بازار کار و داده‌های زیست‌بوم فناوری نشان می‌دهد آسیب‌های واردشده به کسب‌وکارهای نوپا و پلتفرم‌های دیجیتال، ماهیتی فراتر از یک وقفه فنی داشته و به سطحی از فرسایش ساختاری در اقتصاد دیجیتال رسیده؛ فرسایشی که به تعبیر کارشناسان، شکل «مرگ تدریجی» را به خود گرفته است.

تضعیف زیرساخت ارتباطی

اختلال‌های مکرر در دسترسی به اینترنت طی ماه‌های اخیر، تنها یک چالش زیرساختی نبود، بلکه ضربه‌ای مستقیم به شریان‌های حیاتی اقتصاد دیجیتال وارد کرد. تحلیلگران می‌گویند کسب‌وکارهایی که بقای آن‌ها به ارتباط مستمر با مشتری، تأمین‌کننده و بازارهای خارجی وابسته است، در این دوره با اختلالی چندلایه مواجه شدند که نه فقط درآمد، بلکه اعتماد و برنامه‌ریزی را نیز از میان برد. داده‌های بازار کار نیز این وضعیت را بازتاب می‌دهند؛ جایی که شکاف میان عرضه نیروی کار و ظرفیت جذب کارفرمایان به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. طبق آمار جاب‌ویژن، اکنون به‌طور متوسط ۳۶۰ درخواست برای هر موقعیت شغلی ثبت می‌شود؛ در حالی که این رقم سال گذشته ۱۵۷ مورد بود. این جهش نشان‌دهنده فشرده‌شدن

یعنی مشتری‌ای که عادت خریدش تغییر کرده، صفحه‌ای که دیگر بازدید سابق را ندارد، اعتمادی که سست شده و شبکه‌ای که از هم پاشیده است.

در این میان، نبود آمار دقیق و شفاف از میزان خسارت، خود بخشی از مسئله است. تا این لحظه، آمار رسمی مشخص و جامعی از میزان زیان واردشده به مشاغل خانگی در دی‌ماه، دوره جنگ و ماه‌های اخیر منتشر نشده است. آنچه وجود دارد، بیشتر اظهارات مسئولان، گزارش‌های رسانه‌ای و هشدارهای صنفی درباره اختلال گسترده اینترنت و آسیب به کسب‌وکارهای آنلاین است. این خلأ آماري به آن معنا نیست که بحران کوچک بوده؛ برعکس، در اقتصاد غیررسمی و نیمه‌رسمی مشاغل خانگی، بسیاری از زیان‌ها اصلانیت نمی‌شوند. هیچ ترانزنامه‌ای نشان نمی‌دهد چند زن سرپرست خانوار، بعد از افت فروش، وام‌شان معوق شد؛ چند نفر تولید را متوقف کردند؛ چند خانواده برای تأمین هزینه روزمره، ابزار کار یا دارایی کوچک خود را فروختند.

از این منظر، هر طرحی که با هدف حمایت از این مشاغل شکل بگیرد، باید تلاشی برای پاسخ کوتاه‌مدت به یک بحران واقعی دانست. مشاغل خانگی امروز بیش از هر چیز به ثبات در زیرساخت ارتباطی، دسترسی امن و پایدار به بازار آنلاین، حمایت بیمه‌ای، تسهیلات کم‌هزینه واقعی، آموزش فروش و بازاریابی و شبکه توزیع قابل اتکا نیاز دارند. اگر اینترنت برای این بخش بازار است، هر اختلالی در آن باید به مثابه اختلال در معاش دیده شود، نه صرفاً یک مسئله فنی. اگر زنان ۸۰ درصد نیروی کار این حوزه را تشکیل می‌دهند، هافت فروش در این بخش مستقیماً به تضعیف اقتصاد زنان و خانوارهای وابسته به آن‌ها منجر می‌شود. و اگر بیش از ۲ میلیون مجوز برای این مشاغل صادر شده، دیگر نمی‌توان آن را یک بخش فرعی و قابل اغماض تلقی کرد.

سه ماه گذشته برای مشاغل خانگی، دوره بازگشت آرام به بازار نبوده؛ بیشتر دوره دست‌وپازدن برای بقا بوده است. بعضی‌ها با تخفیف‌های سنگین سعی کرده‌اند مشتری را برگردانند، بعضی‌ها به بازارچه‌های محلی پناه برده‌اند؛ بعضی‌ها تولید را به کم کرده‌اند تا مواد اولیه روی دست‌شان نماند؛ و بعضی‌ها، بی‌سر و صدا، کار را کنار گذاشته‌اند. پشت بسیاری از درهای بسته خانه‌ها، شکست یک کسب‌وکار خانگی نه با سر و صدا، که با سکوت رخ می‌دهد: چرخ خیاطی‌ای که کمتر روشن می‌شود، فری که کمتر کار می‌کند، صفحه‌ای که کمتر به‌روزرسانی می‌شود و امیدی که هر بار بانیامدن سفارش بعدی، اندکی کوچک‌تر می‌شود.

داستان مشاغل خانگی در این ماه‌ها، داستان بخشی از طبقه کارگر و فرودست ایران است که بدون کارگاه رسمی، بدون قرارداد، بدون بیمه مکفی و اغلب بدون دیده‌شدن، بار تولید و بازتولید زندگی را به دوش می‌کشند. آن‌ها اول اینترنت را از دست دادند، بعد بازار را و حالا برای حفظ معاش، چشم به هر حمایت کوچکی دوخته‌اند که شاید بتواند دوباره راهی به فروش باز کند. اگر قرار است از «احیای بازار» سخن گفته شود، این احیا باید از به‌رسمیت شناختن همین واقعیت آغاز شود: مشاغل خانگی فقط چند غرفه در یک جشنواره نیستند؛ آن‌ها شکل فشرده‌ای از نبرد روزمره برای نان در دل خانه‌های این کشور هستند.

یک بازار فرور یخته

باید توجه داشت که مشاغل خانگی پیش از این هم در موقعیت شکننده‌ای قرار داشت. تورم مداوم، افزایش بهای مواد اولیه، رشد هزینه حمل‌ونقل، کاهش توان خرید خانوارها و نبود بیمه و حمایت پایدار، پیشاپیش شانه‌های فعالان این بخش را خم کرده بود. در این وضعیت، اختلال اینترنت و شوک جنگی مثل دو موج پی‌درپی بر بدنه‌ای فرود آمد که از قبل ترک برداشته بود. برای همین است که بسیاری از فعالان این بخش نه صرفاً از «کم شدن فروش» که از «از دست رفتن بازار» حرف می‌زنند. بازار از دست‌رفته

اشتغال

یادداشت
O P I N I O N



محمد حسین بخشایش‌نژاد

کارشناس اشتغال

بازار پایدار برای کسب‌وکارهای کوچک

کافی است یک روز بازار از ریتم بیفتد تا مشخص شود کسب‌وکارهای خرد چقدر روی لبه تیغ حرکت می‌کنند؛ از فروشنده‌ای که تمام گردش مالی‌اش به چند تراکنش روزانه وابسته است تا کارگاه کوچکی که با یک اختلال در ارتباطات، تأمین یا توزیع، عملاً از جریان درآمدی قطع می‌شود. در چنین شرایطی، مطالبه اصلی از دولت فقط کمک مالی نیست؛ مسئله این است که سازوکار حمایت چگونه طراحی شود تا هم فوری به داد واحدهای کوچک برسد و هم آن‌ها را به مسیر بقا و رشد برگرداند. تجربه دوره‌های اخیر نشان داده بی‌ثباتی زیرساختی و نااطمینانی، رقابت شغلی را تشدید می‌کند و به فرسایش فعالیت‌های وابسته به بازار ارتباطات می‌انجامد سیاست حمایتی اگر بر کاهش نااطمینانی بنا نشود، حتی با تزریق منابع هم اثر ماندگار نخواهد داشت. راهکار سیاست‌گذاری این است که حمایت از کسب‌وکارهای خرد از منطق پرداخت مقطعی به سمت ساختن محیط قابل پیش‌بینی و بازار پایدار تغییر کند. وام‌های ضربتی، بسته‌های کوتاه‌مدت و یارانه‌های پراکنده، اگرچه در لحظه بخشی از فشار نقدینگی را کم می‌کنند، اما در نهایت یا به بدهی آینده تبدیل می‌شوند یا به دلیل خطای هدف‌گیری و بروکراسی به دست گروه‌های کم‌اثر می‌رسند. مکانیسم مؤثرتر کاهش ریسک محیط فعالیت است: ثبات مقررات، پرهیز از تغییرات ناگهانی دستورالعمل‌ها، شفافیت مالیاتی و بیمه‌ای برای واحدهای کوچک، و مهم‌تر از همه تضمین دسترسی پایدار به زیرساخت‌های عمومی و ارتباطی. واحد خرد از نامعلوم بودن فردا آسیب می‌بیند؛ وقتی نتواند هزینه‌ها، دسترسی‌ها یا امکان فروش را پیش‌بینی کند، برنامه‌ریزی ممکن نیست و نتیجه آن کوچک شدن، غیررسمی شدن یا تعطیلی است.

گام بعدی جابه‌جایی تمرکز حمایت از پول‌پاشی به سمت فروش است. بسیاری از کسب‌وکارهای خرد نه به دلیل نبود مهارت یا محصول، بلکه به علت محدودیت دسترسی به بازار از پا می‌افتند. دولت اگر به دنبال حمایت مؤثر است باید هزینه ورود به بازار را کاهش دهد. ایجاد کانال‌های پایدار عرضه، تسهیل اتصال به زنجیره تأمین و توزیع و فراهم کردن ابزارهای ساده برای حضور دیجیتال، پرداخت، لجستیک و بازاریابی محلی از جمله این اقدامات است. طرح‌هایی مانند «هزار میدان» که اخیراً برای حمایت از کسب‌وکارهای خرد و مشاغل خانگی آغاز شده‌اند، در همین چارچوب می‌توانند معنا پیدا کنند، به شرط آنکه به رویدادهای مقطعی یا واکنش‌های صرف مکان فروش محدود نشوند. در مجموع، حمایت از کسب‌وکارهای خرد زمانی مؤثر خواهد بود که به جای مداخلات کوتاه‌اثر، بر طراحی یک نظام تاب‌آور اقتصادی متمرکز شود. کاهش نااطمینانی، شبکه‌سازی بازارهای محلی و تبدیل «هزار میدان» به یک زیرساخت دائمی بازار می‌تواند به تثبیت جریان درآمدی کمک کند. میدان در این معنا نه ویتترین موقت، بلکه نقطه اتصال تولیدکننده خرد به تقاضای پایدار است.